

زیارت، الهیات مکان و اصالت معنویت

نگاهی به فضای هیبت و ابهت در حرم‌های مطهر



علی الهی خراسانی

دبیر پرونده دکتری فقه و مبانی حقوق
اسلامی از دانشگاه عدالت و پژوهشگر
الهیات اجتماعی و مطالعات زیارت

برای پرشدن از معنا. باری! حاشیه‌های متنوع دربارهٔ مناسک زیارت در حرم رضوی که انبوهی از مراسم مذهبی کوچک و بزرگ را در خود دارد و نیز توزیع خوردنی‌های متبرک و دیگر برنامه‌های گوناگون، زیارت را از فضای معنوی و قدسی به میدان مناسک و گذر تفریح مذهبی تبدیل کرده است. کار ویژهٔ زیارت، همان درک امر معنوی و تعظیم در فضای با ابهت است و هر آیین و آداب و مناسکی باید معطوف به تقویت معنا باشد؛ نه برهم‌زنندهٔ خلوت و سکوت!

مناسک زندگی و متبرک‌سازی بی‌رویه در برخی حرم‌های مطهر، چالش بزرگی فراروی فضای با ابهت و فلسفهٔ وجودی زیارت نهاده است. تأثیر زیارت و درک معنویت در مکان تحول، توسعه و شکوفایی وجودی است که حتماً در توسعهٔ فضیلت‌های اخلاقی در هر شخص دیده می‌شود. زیست معنوی با تند خوبی، نامهربانی، دیگری ستیزی، اضطراب و تشویش نمی‌سازد. پررنگ و

باری! زیارت، مکان مند شدن امر معنوی است که «فضای هیبت و ابهت» را برای انسان رقم می‌زند و تمام جلوه‌های هنری و بصری را به خدمت می‌گیرد تا معنا در انسان شکل گیرد. زیارت، حضور امر معنوی و «تعلیق زمان» است تا امر معنوی با تمام شکوه و عظمت خود در دل انسان بنشیند و ذهن، آرامش، سکونت و اطمینان را تجربه کند. زیارت در حرم‌های امامان شیعه نیز از این اصول معنوی مستثنا نیست. شکوه حضور، تعظیم و پیوند با امامت در مکان و ارتباط با روح و قلب حرم و فروتنی، انکسار و اخبات در مواجهه با ابهت فضا، با تمام معماری کثرت در عین وحدت، همه و همه، در زیارت ائمه مشاهده و شهود می‌شود.

درک فضای هیبت و ابهت در مکان حرم، نیاز به «خلوت و سکوت» دارد. به بیان دیگر درگاه ارتباط با مکان و درک این فضای معنوی، خلوت است و سکوت. سکوت، دعوت به خویش‌خویش است و خلوت، ظرفی

+

زیارت؛ معنویت مکان مند

معنویت، واژه‌ای است که نمایانگر شیوه‌های زندگی و اعمالی است که به بصیرت هستی انسان و چگونگی دست‌یافتن روح او به استعداد کامل خود تجسم می‌بخشد. در دوران معاصر، تعریف معنویت بدین گونه است که با چیزی ارتباط دارد که «کل نگر» است، یعنی رویکردی کاملاً هماهنگ و یکپارچه به زندگی. این مسئله متناسب با این واقعیت است که به لحاظ تاریخی، امر معنوی با «امر قدسی» پیوند دارد. بنابراین امر معنوی به جای این که صرفاً یک عنصر در میان عناصر دیگر در زندگی انسان باشد به عنوان عامل یکپارچه‌کننده، یعنی زندگی به مثابه یک کل واحد، شناخته می‌شود. بنابراین معنویت، جستجو برای «امر مقدس» فهم می‌شود.^۱

از سویی دیگر معنویت در شهری که بر اساس زیارتگاه پدید آمده و شکل گرفته و زندگی در آن، حول زیارت بسط یافته است، می‌تواند «ژنوم شهر» قرار گیرد.^۲ در این نگاه، معنویت برخاسته از زیارت، قلب تپنده و دستگاه کنترل حیات مدنی می‌شود. واقع شدن شهر در یک محیط معلوم و خاص و تعاملی که به روزگاران، میان ساکنین و آن محیط شکل می‌گیرد، منجر به پدیدار شدن نسبی ناگسستگی میان آن مکان و جامعه انسانی اش می‌شود که نتیجهٔ آن، جایی شدن این شهر و کسی شدن اهالی اش است. در دل اهل این «جا» رازهایی وجود دارد که فقط اهالی اش به واسطهٔ انتقال از نسل‌های متوالی می‌شناسند. بدون اشراف بر این رازها و تکاپو برای حراست‌شان از کون و فساد در گذر زمان، زندگی در آن «جا» ناممکن است.^۳

